

روایت سرگذشت معبری که از دل انحراف یک خیابان سربرآورد و سروسامان گرفتنش ۲۰ سال طول کشید

قصه زیرخاکی «خیابان خاکی»



تصویری از خیابان خاکی در نخستین سال های افتتاح آن (دوره پهلوی)

سیده نعیمه زینبی اشاید از دل این جمله که «قرار نبود خیابان شاهرضا کج باشد، این معنا به ذهن برسد که از زمان کلنگ زنی آن، قرار بر ساخت گذر خاکی هم نبود. بنابراین گذر خاکی» نتیجه یک تصمیم نبود، بلکه حاصل یک انحراف بود. اگر شاهرضا آن‌گونه که در نقشه‌های اولیه پیش‌بینی شده بود، مستقیم می‌ماند، شاید امروز معبری به نام «خاکی» نیز در حافظه تاریخی مشهد ثبت نمی‌شد. گذری که امروز آن را با نام «آخوند خراسانی» می‌شناسیم، سرگذشتی کشدار و پرماجرآ داشته است؛ معبری که از آغاز ساخت تا آسفالت شدنش نزدیک به بیست سال طول کشید و همین تأخیر نام «گذر خاکی» را شاید برای همیشه بر سر زبان‌ها انداخت.



دوسند از مراحل ساخت خیابان خاکی

شهری می‌دهد. البته باز هم چهارده ماه طول می‌کشد تا این خبر در یک مرداد ماه به واقعیت پیوند بخورد. ۶ مرداد سال ۱۳۱۱ خورشیدی والی ایالت و رئیس بلدیّه برای بازدید از این پروژه که قرار است از ابتدای خیابان خسروی تا خیابان تاگراف بی سیم امتداد یابد، می‌روند. ۱۳ مرداد هم نتیجه این بازدید در مطبوعات این چنین انعکاس می‌یابد: «بر اثر مطالعات حضرت ایالت کبری و آقای رئیس بلدیّه در قسمت استقامت خیابان شاهرضا علائمی که از اول نصب شده مختصر تغییر نموده و اکنون خیابان شاهرضا مستقیماً به خیابان فوج شاهپور متصل می‌شود و حسب‌الامر علائم جدیدّه از طرف بلدیّه نصب گردیده است.»

طبق این خبر گذر جدید از خیابان خسروی شروع و در محل تقاطع خیابان سپه و فوج شاهپور خاتمه می‌یابد. این گذر ۱۵۰۰متر است که برای ساخت آن باید ۴۸ خانه و ۲۰کوچه و یک قبرستان تخریب شود. یک سال بعد هم جریده بهار خبر از اجرای عملیات بازشایی مسیر می‌دهد و می‌نویسد: «عملیات در قسمت جنوبی محور شاهرضا که به خارج دروازه امتداد می‌یابد، تداوم داشته و منازلی که در مسیر این معبر واقع و بلدیّه خریداری نموده خراب کرده و پیش می‌روند.» شش ماه بعد هم از اتمام خرابی‌های امتداد جنوبی خبر می‌رسد تا با باز شدن بخشی از این راه، مسیر ساخت‌گذر خاکی هموار شود.

- قبرستانی که وسط معبر افتاد

پیگیری اخبار و جراید نشان می‌دهد تخریب ساختمان‌های در مسیر معبر و بازشایی آن در یک سال و مرحله انجام نشده است. این فرایند از حدود سال ۱۳۱۱شروع وتاسال‌های بعد ادامه می‌یابد. ۲۵ فروردین سال ۱۳۱۳تسطیح و خاک برداری بخش تملک شده قسمت جنوبی محور شاهرضا شروع می‌شود.

- میراث کج اسدی و تغییر نقشه‌ها

برای شنیدن روایت «خیابان خاکی» باید به سال ۱۳۰۷ بازگشت؛ زمانی که معبری تازه از دل ساختمان‌های قدیمی اطراف حرم در حال شکل‌گیری بود. آستان قدس رضوی واسطه ایجاد این شریان شهری شد تا از زمین‌های موقوفه آستانه، منبع درآمدی تازه فراهم کند. مرحوم محمدولی اسدی، که رؤیاهای بزرگی در سر دارد، می‌کوشد کاری ناشدنی را عملی کند و مجوز ساخت محور شاهرضا را بگیرد.

اسدی در گزارش کاری که سال‌ها بعد ارائه می‌دهد، ایجاد مستغلات جدید برای آستانه از محل این‌محور را جزوکارنامه کاری‌اش می‌نویسد. طبق این کارنامه، افتتاح و ساختمان این محور دارای ۱۱۳ باب مغازه است و تقریباً در سال ۹ هزار تومان عایدات دارد.

این معبر پشت‌پرده‌های زیادی هم دارد تا نگذار مستقیم به خارج از شهر امتداد پیدا کند و همین مسئله، راه کشیدن یک گذر دیگر به نام خاکی را با می‌گذارد. البته در آن زمان به ظاهر طرح بلدیّه مشهد، امتداد دادن این محور تا بیرون شهر است، اما آستان قدس تلاش می‌کند تا آن را به سمت خیابان ارگ کج کند.

نامه‌نگاری‌های آستان قدس با تهران جواب می‌دهد تا بالاخره این سازمان بتواند حرف خودش را به کرسی بنشاند. ۲۱ شهریورماه سال ۱۳۰۷ خورشیدی این خبر در جراید چاپ می‌شود: «بالاخره بعد از خرابی‌های به‌موقع و بی‌موقع در نتیجه تبادل افکار و اکثریت آراء کمیسیون ای آمریکا به خاص است، ۲۵ اسفند ۱۳۰۸ انتقاد که در اداره ایالتی منعقد شده بود، گویا امتداد خیابان شاهرضا تصویب شده که جنوباً و شمالاً تا خارج دروازه کشیده شود، احداث این خیابان به جهاتی بر بقیه آراء متصورات سابقه مزیت دارد. اولاً این خیابان از وسط شهر واقع و تقاطع کرده است با خیابان وسیع و نهر عظیم شاه عباسی؛ از قسمت شمال از وسط باغ و می‌رضخانه آمریکایی به خارج و از قسمت جنوب به شهر نو متصل خواهد شد.»

البته این تصمیم‌گیری‌ها و انتشار این اخبار باعث نمی‌شود که محور شاهرضا راست بماند و طرحی برای این معبر اجرا می‌شود که مورد انتقاد عام و خاص است. ۲۵ اسفند ۱۳۰۸ انتقاد میرزا باقرخان پروین، رئیس سجلات شهر و حومه مشهد که دستش به روزنامه‌نگارهای آن زمان می‌رسد، چاپ می‌شود.

نویسنده نامه به جریده آزادی می‌گوید وقتی از کوچه نجارها عبور می‌کرد، متوجه شد مسیر معبر به‌جای آنکه مستقیم از میان بخش آباد شهر(میان بازاروارگ)عبور کند، به‌صورت مورب طراحی شده و به خیابان پهلوی متصل شده است. به باور او اگر این گذر به شکل مستقیم کشیده می‌شد، به یکی از آبادترین و پررونق‌ترین محوره‌های تجاری مشهد تبدیل می‌شد.

نویسنده نا مه همچنین تأکید می‌کند این معبر باید طوری ساخته شود که از یک سر آن، ابتدای معبر به خوبی دیده شود. او هشدار می‌دهد که این طراحی ممکن است در آینده موجب هزینه‌های سنگین برای دولت، مردم و آستان قدس شود و شاید ناچار شوند مسیر معبر را اصلاح کنند. همه این انتقادها اما راه به جایی نمی‌برد و پس از اینکه بارها جراید نقشه این محور را مستقیم و مورب اعلام می‌کنند، بالاخره شاهرضا طبق نقشه آستان قدس مورب کشیده می‌شود!

- رد اولین بیرق‌ها در مسیر معبر

سال ۱۳۱۰نخستین اخبار از امتداد محور شاهرضا و به نوعی تولد گذر خاکی در روزنامه بهار به چاپ می‌رسد. ۲۴ خرداد همان سال همین جریده خبر از نصب بیرق در امتداد محور شاهرضا تا خارج

که یکی از بند‌های آن پیش‌بینی بودجه برای افتتاح قسمت جنوبی محور شاهرضا به مبلغ ۲۰۰ هزار ریال است. روزنامه آزادی درباره این اتفاق تازه می‌نویسد: «چون برای امتداد قسمت جنوبی خیابان شاهرضا از وزارت کشور موافقت و پروانه اقدام رسیده است از طرف اداره شهرداری به مالکان منزل‌هایی که در مسیر خیابان نامبرده واقع است اخطار شده که برای ارزیابی و ختم عمل منزل‌های خود اقدام نمایند.» چند روز بعد هم بلدیّه به تخریب منازل تصاحب شده اقدام می‌کند تا بالاخره قفل این گذر گشوده شود. در ۱۴ اردیبهشت این سال در گزارشی که رئیس ساختمان شهرداری از حاج حسینیعی معمار شهرداری می‌خواهد چنین آمده است: «منازل خط سیر امتداد جنوبی خیابان شاهرضا تا قبرستان میرهوا ارزیابی و صورت‌های آن تقدیم گردیده. برای منازل باقی‌مانده ... مرغوبیت باید تعیین گردد و نیز تکلیف باغ گنبد سبز را تعیین فرمایید که بعد‌ها باعث خسارتی نشود...»

- نامی که از گرد و خاک برخاست

در ادامه روایت داستان این معبر خوب است بدانید، برای نخستین بار شاید سال ۱۳۲۶ خورشیدی باشد که از عبارت خیابان خاکی برای امتداد جنوبی محور شاهرضا استفاده می‌شود. آسفالت گذر خاکی در این سال در دستور کار قرار دارد که گویا به سرانجام نمی‌رسد. در نامه‌ای که سال ۱۳۲۷هالی و مالکان این معبر به گلشائیان استاندار وقت استان نهم می‌نویسند، سرگذشت گذر خاکی به شکل مختصر و مفید ارائه شده است: «شهرداری مشهد از لحاظ زیبایی شهر در نظر گرفت که خیابان اصلی شاهرضا را از طرف شمال و جنوب به انتهای شهر امتداد دهد. از سال ۱۳۱۱ شروع به نقشه‌برداری نموده و نقشه مزبور مورد تصویب انجمن شهر و استانداری استان نهم و تصویب وزارت کشور در موقع خود قرار گرفت. در سال ۱۳۱۱ مختصری و در سال ۱۳۱۹ مختصر دیگر از خیابان تا جلو گنبد سبز خراب شده و خیابان کوتاهی تشکیل داده و مدت شانزده سال است در افتتاح میدان و بقیه خیابان اقدام نشده و حتی در خیابان سازی آن هم اقدام نگردیده و از طرف شهرداری شن‌ریزی به عمل نیامده که معروف به خیابان خاکی شده است...»

در سال ۱۳۲۷ اطلاعاتیه‌ای در روزنامه چاپ می‌شود: «ساکتین خیابان خاکی از اینکه شهرداری مشهد از یک هفته پیش دستور آب‌پاشی این خیابان را داده است تشکر نموده و تقاضا می‌کند که هرچه زودتر برای افتتاح بقیه خیابان و ایجاد میدان اقدام شود.» در این مدت طبق مصاحبه شهردار با نماینده سازمان تبلیغات، جوی‌سازی این گذر و آسفالت پیاده‌روهای آن انجام شده است اما سواره‌رو همچنان خاکی می‌ماند. سال ۱۳۲۹ برنامه اصلاح شهر تصویب می‌شود و همچنان آسفالت گذر خاکی در دستور کار قرار می‌گیرد. در این برنامه برای امتداد شمالی و جنوبی شاهرضا و هزینه‌های مربوط به تسطیح و خاک برداری و پرداخت غرامت به مالکان و غیره ۲ میلیون ریال در نظر گرفته می‌شود.

۴ مهرماه عملیات زیرسازی گذر خاکی رو به اتمام است و بر حسب نوشته مطبوعات بالاخره این معبر در این سال آسفالت می‌شود اما نام «خاکی» از حافظه مردم پاک نشد. پیش از انقلاب این امتداد همچنان با نام شاهرضا شناخته می‌شد، پس از آن مدتی با بهتر نام گرفت و بعدها به نام آخوند خراسانی تغییر یافت، با این حال در حافظه تاریخی شهر، هنوز هم بسیاری آن را همان «خیابان خاکی» می‌دانند.



حاشیه‌نشین قاین که امروز منطقه گر دشگری است

آرامگاه بوزرجمهر قاینی



هادی دقیق| جاده کمربندی شهر قاین یک نیم‌دایره است که از شرق دور شهر می‌چرخد. یک سر این کمربندی به سمت گناباد و مشهد می‌رود و سوی دیگرش به شهر بیرجند می‌رسد. اگر از سمت بیرجند وارد این مسیر شویم، در همان حاشیه جنوبی شهر و سمت راست مسیر، جاده‌ای است که امتدادش چشم را تا پای کوهی به نام ابودر می‌کشاند. ته این جاده بن‌بست است، ولی در همین بن‌بست می‌شود دوائر تاریخی مهم و کم‌مانند دید: اولی «مقبره بوزرجمهر قاینی»، عارف و سیاست‌مدار و شاعر سده چهارم و پنجم قمری است که پای کوه ابودر قرار دارد و انگار یخشی از بنایش در کوه حل شده است. دومی هم «قلعه‌کوه»، قاین است؛ از قلعه‌های بنام اسماعیلیان که هنوز بقایایی از آن بر بلندی کوه مانده است. با این حال، مدتی است که طرح تفصیلی این منطقه، کوه ابودر و اطرافش را به منطقه‌ای گردشگری تبدیل کرده است. از همین حوالی و در کوهپایه کوه ابودر، شهر قاین زیر پاست و به نوعی اینجا پام قاین هم هست.

از کمربندی قاین اگر کمی چشم را تنگ کنیم و با دقت نگاه کنیم، مقبره بوزرجمهر در انتهای سمت چپ این مسیر آسفالت کشیده شده تا پایه کوه خودنمایی می‌کند؛ کمی که دقیق‌تر شویم و امتداد چشم را در انتهای سمت راست مسیر بکشیم، بالای اولین بلندی‌ها، قلعه‌ای به چشم می‌خورد که همان قلعه‌کوه قاین است. هر دو این بناها در دید هستند، اما از آن فاصله کمی دشوار دیده می‌شوند و دلیل آن هم استفاده از مصالح هم‌رنگ کوه ابودر برای ساخت هر دو بناست. با وجود این، مقبره بوزرجمهر از دور هم جلب توجه می‌کند و قلعه‌کوه هم چند سالی است که به واسطه مرمت‌ها، از فاصله دور بهتر دیده می‌شود. آرامگاه بوزرجمهر قاینی تیر ۱۳۷۹ به‌عنوان اثری فرهنگی تاریخی در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

- بنای آرامگاه

بای بنای اصلی و درست در کوهپایه کوه ابودر، پله‌هایی به نسبت طولانی، چشم را تا بالای آرامگاه هدایت می‌کند. بالا رفتن از این پله‌ها در کویر و زیر آفتاب سخت است، اما دیدن معماری جذاب آرامگاه بوزرجمهر به سختی‌اش می‌ارزد. آرامگاه از این زاویه پر از طاق‌نماهای جانغی است. جلو این نما و در جایی که به عنوان پیشخان بناست، نرده‌هایی آجری دیده می‌شود که در هماهنگی کامل با بقیه بنا هستند. این نرده‌های آجری مشبک، بالاتر و چند جای دیگر دورتادور بنا هم دیده می‌شوند.

مقبره بوزرجمهر که تقریباً پنج کیلومتر از هیاهوی زندگی شهری قاین دور است، بنا به شواهد و شکل معماری در سده ششم و هفتم قمری به‌صورت چلیپایی ساخته شده است. بقعه اصلی شبیه چهارطاقی محبوب معماری ایرانی است که آسمانه‌ای گنبدی شکل بر فرازش دارد. طاق ایوان‌های فضای چهارطاقی بقعه به‌صورت کلیل اجرا شده، اما جرز اصلی طاق‌ها نیمه‌بیضی باز است. نمای بنا غیر از آن قسمت‌هایی که در کوه محو می‌شود، سراسر آجر و سنگ است، اما داخل بنا از رنگ آجری خبری نیست و یکدست سفید است. برای تزئین داخل بنا از گچ استفاده شده است. دور فضای اصلی بقعه، به غیر از چهار ورودی، با طاق‌نماهای جانغی تزئین شده است. تزئینات گچ‌کاری زیر گنبد از بخش‌های بسیار زیبای این بنا محسوب می‌شود و مفرس‌ها و گچ‌بری‌هایی هنرمندانه دارد که از دید هیچ بیننده‌ای پنهان نمی‌ماند.

در کل، مرمت‌های آرامگاه بوزرجمهر زیاد بوده و حتی همین تزئینات هم سال‌ها پیش مرمت شده، اما از قرار معلوم با نسخه‌ای که ظاهراً در دوره قاجار مرمت شده است، مو نمی‌زند. پشت بقعه صفه‌ای ایجاد شده و بنای جنبی آرامگاه روی آن قرار گرفته است. در این فضا چندین اتاق دیده می‌شود که در نمایشان از سنگ استفاده شده است. این اتاق‌ها اکنون فضای یک اقامتگاه هستند، در چند کیلومتری شهر قاین، در کویری سوت‌و‌گور و درست وسط و زیر سقف یک بنای ثبت ملی شده.

- چشم‌اندازی به تاریخ قاین

قدم‌زدن روی ایوان‌ها و در فضای آرامگاه بوزرجمهر حس خوبی دارد، چون چشم انسان سراسر از اصالت پر می‌شود، هرچند مرمت‌شده، جدا از حال‌وهوای معماری و ترکیب سنگ و آجر و گچ که بوی تاریخ می‌دهند، یک درخت بنه تقریباً هم‌قد و هم‌قدمت بنا هم کنار چهارطاقی بناست که در این موقعیت سخت و خشن بوی طبیعت و زندگی می‌دهد. تقریباً ۱۰ سال پیش، جایی بین قاین و بیرجند و در روستایی به نام «چلونک»، یکی از همین بنه‌های سال خورده که ریشه سفت و محکمی در زمین و زمان دارد، ثبت ملی شد. این نشان می‌دهد بنه‌های کهن‌سال منطقه کم نیستند و درخت بنه آرامگاه بوزرجمهر هم یکی از چندین است. گاهی، تنها سایه موجود در فضای باز آرامگاه، همین تک‌درخت کهن‌سال است.

چشم‌انداز آرامگاه به شهر قاین هم دیدنی است. از پشت نرده‌های آجری بنا می‌شود شهر قاین را زیر پا دید. به جز این، سازه‌های بافت قدیمی قاین در امتداد همین جاده منتهی به آرامگاه بوزرجمهر هستند، یکی بنای بزرگی است که ایوانش از آن فاصله هم باهویت است. این بنا همان مسجد جامع شهر تاریخی قاین معروف به «دوقبلیتن» است. شاید هم ایوانش همانی باشد که ناصرخسرو در سفر به قاین در توصیفش گفته است، «و آنجا [...] طاقی بزرگ است چنان که در خراسان از آن بزرگ‌تر ندیم». دیگری مزار شاهزاده حسین است که یک اثر ثبت ملی شده مربوط به دوره سلجوقی است. این مزار تا همین پانزده بیست سال پیش تلی از خاک بود، اما کاوش‌های شگفت‌انگیزی در آن انجام شد و امروز با دیوار و سقفی سوله‌مانند محافظت می‌شود.

بوزرجمهر در دربار سلطان محمود خدمت می‌کرده و پس از وی تا زمان فروپاشی غزنویان در غزنی، پایتخت غزنویان، در دربار سلطان مسعود غزنوی به سر می‌برده است. نظامی‌عروسی، نویسنده و شاعر سده ششم، در مقاله دوم «چهارمقاله» با عنوان «در ماهیت علم شعر و صلاحیت شاعر»، بوزرجمهر قاینی را در زمره شاعران ماندگاری نام می‌برد که روزی در دربار حاکمان می‌زیسته‌اند؛ حاکمانی که عمارت هایشان با خاک یکسان شده ولی بنای شعر شاعرانشان همچنان ماندگار است.

منابع.

جراید مشهد در

سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۳۰ به نقل از

اخبار خراسان

دوره رضاشاه و

محمدرضاشاه

اسناد آستان

قدس رضوی

اسناد موجود

در کتابخانه ملی

ایران